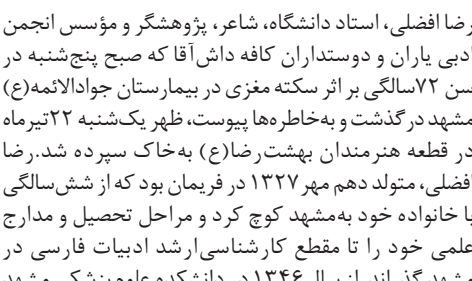


مایحبه شهرپاری

شاعر و پژوهشگر ادبیات



رضا افضلی، استاد دانشگاه، شاعر، پژوهشگر و مؤسس انجمن ادبی یاران و دوستداران کافه داش آقا که صبح پنج‌شنبه در سن ۷۲سالگی بر اثر سکتۀ مغزی در بیمارستان جوادالائمه(ع) مشهد درگذشت و به‌خاطرهما پیوست، ظهر یک‌شنبه ۲۲تیرماه در قطعه هنرمندان بهشت‌رضا(ع) به‌خاک سپرده شد. رضا افضلی، متولد دهم مهر ۱۳۲۷ در فریمان بود که از شش‌سالگی با خانواده خود به‌مشهد کوچ کرد و مراحل تحصیل و مدارج علمی خود را تا مقطع کارشناسی‌ارشد ادبیات فارسی در مشهد گذراند. از سال ۱۳۴۶ در دانشکده علوم‌پزشکی مشهد استخدام شد و شعرها و نوشته‌های خود را در نشریات کشور انتشار داد، وی از همان دوره جوانی در کافه «داش‌آقا» که محل اجتماع شاعران و روشنفکران آن زمان بود حضور یافت و سپس عضو دائم انجمن‌های ادبی فرخ و قهرمان شد. وی بعدها به کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد منتقل شد تا با استاد محمد قهرمان همکاری خود را آغاز کند. از سال ۱۳۶۲ نیز به‌تدریس در دانشگاه‌های مشهد، نیشابور، شیروان، فریمان و سبزوار پرداخت و علی‌رغم بازنشستگی در سال ۱۳۷۶، تدریس خود را در دانشگاه ادامه داد. رضاافضالی نشان درجه‌یک هنری از وزارت ارشاد داشت و سال‌ها برای روشن‌نگه‌داشتن مشعل انجمن‌های ادبی مهم مشهد تلاش کرد. «در شهر غم‌گرفته پاییز» (۱۳۵۷)، «نگاهی از ساحل به دریا؛ یادنامه استاد احمد گلچین معانی» (۱۳۷۷)، «هوی ارغوانی؛ تر‌جمه کتابی از فیصل الحجلی» (۱۳۷۸)، «شناختنامه محمد قهرمان» (۱۳۸۴)، «گریه در گلو کردن؛ مجموعه سروده‌هایی در سوگ و ستایش استاد محمد قهرمان» (۱۳۹۲)، «پرواز لاهوتی؛ یادنامه زنده‌یاد استاد حسن لاهوتی» (۱۳۹۳)، «در شناخت استاد قدرت‌ا… شریفی» (۱۳۹۴)، «تصحیح دیوان احمد شهنشا» (۱۳۹۴) و ۶مجموعه‌شعر به‌نام‌های «بر که‌ای شفاف چون صبحی زلال»، «چیزی به آفتاب نمانده است»، «نچه می‌خواستم این نبوده»، «قاصد خوش‌خبر»، «ترانه‌های تورنتو» و «منظومه‌مشهدی‌های قدیم» از آثار اوست. او چشم‌و چراغ انجمن‌های ادبی بود و دریای ژرف و بی‌کران فرهنگ خراسان را وجب‌و‌وجب می‌شناخت و در شناخت ادبیات فارسی و عربی استاد بود؛ در عین حال برای آموزش جوانان از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد. گفتن از فضایل اخلاقی استاد افضلی کار ساده‌ای نیست. معنای حقیقی شاعر در وجود او تجلی یافته و به‌جای زنده بود و به‌جای همه زندگی کرد. معنای نامش معنای او بود و همان‌گونه که «ضا» مقام واصلان است، آرامش و رضایتی از تلخ‌وشیرین روزگار داشت. قدردان زندگی و برای خدمت به خلق پیشگام بود. نخستین کسی بود که در فقدان شاعران بزرگ خراسان دست‌به‌کار می‌شد و از کسانی بود که برای اختصاص مقبره‌الشعرای توس به آرامگاه شاعران خراسانی کوشش فراوان کرد و در یفا که چنین انسان‌هایی در این دیار مورد‌بی‌مهری قرار گیرند؛ آن هم کسی که هرگز بغض و کینه‌ای به خود راه نمی‌داد و برای سلامتی دشمنش نیز دعا می‌کرد. اگرچه این خاک نیست که به انسان‌ها ارزش می‌بخشد، بلکه این انسان‌ها هستند که به خاک ارزش می‌بخشند، اما در یفا که با دفن پیکر زنده‌یاد رضا افضلی در مقبره‌الشعرای توس در جوار فردوسی بزرگ و دوستان شاعرش موافقت نشد و پیکر این شاعر بزرگ به‌ناچار در قطعه هنرمندان بهشت‌رضا(ع) به‌خاک سپرده شد. گفتنی است که کوشش‌ها و رایزنی‌های فراوانی در روزهای اخیر برای خاک‌سپاری استاد در مقبره‌الشعرای توس انجام شد، اما با این بهانه که «مقبره‌های باقی‌مانده در مقبره‌الشعرای توس همه سیمان و سنگ شده‌اند و دیگر کسی در آنجا خاکسپاری نمی‌شود»، این مهم انجام نشد. اگر چه اصرار داشتند به‌علت شیوع کرونا «وصیت استاد این بوده است که در مقبره‌الشعرای توس به‌خاک سپرده شود اما نشد»، اگر چه اصرار داشتند به‌علت شیوع کرونا مراسم بسیار محدود برگزار شود و اطلاع‌رسانی عمومی صورت نگیرد، اما تنی چند از شاعران و نویسندگان و دوستان استاد، خانواده ایشان را در این مراسم همراهی کردند.

اعلام اسامی آثار راه‌یافته به مرحله بازبینی جشنواره «تئاتر کنار مردم»

معاون فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد، از راه یافتن ۵۶ آثار به مرحله بازبینی اولین جشنواره نمایش خیابانی «تئاتر کنار مردم» خبر داد. صدرا یوسفی با اشاره به پایان بازخوانی آثار ارسال‌شده به دبیر‌خانه جشنواره «تئاتر کنار مردم» گفت: حجت طباطبایی، عیبا…

برجسته و کریم‌جشنی، اعضای هیئت بازخوانی این جشنواره هستند که به بررسی ۹۱ آثار ارسال‌شده به دبیر‌خانه پرداخته‌به گفته او در مجموع ۵۶ آثر به مرحله بازبینی راه یافتند که این مرحله از ۱۰ روز آینده آغاز به‌فعالیت می‌کند.یوسفی یادآور شد: در این میان راه یافتن برخی از آثار، به صورت مشروط خواهند بود که دبیر‌خانه جشنواره، به صاحبان آثار اعلام می‌کند.لازم‌به ذکر است، جشنواره «تئاتر کنار مردم» با هدف افزایش نشاط شهروندان و فعالیت خدیر «جواد اشکدری» که فعالیت خود را آغاز کرده و آثار منتخب در دهه ولایت، در مناطق مختلف شهر مشهد اجرا خواهند شد. برای مشاهده اسامی آثار پذیرفته‌شده فایل زیر را سکن کنید.



شهریار

روزنامه شهرامید وزنگی

شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۹تقدیس ۱۳۹۹تقدیس ۳۱۵۰تقدیس

SHAHIRANNEWS.IR

۱۴

فرهنگ و هنر

مکتب خوش‌نوای «نریمان»

گفت و گو با علی پژوهشگر

نوازنده درباره منصور نریمان

استوره عود ایران

ندا حییی

«پسرم، شما هم مانند فرزندان خود من هستید می‌توانید بیایید در منزل من بمانید و به فرا گرفتن نت در هنرستان همت گمارید» این جملات را اوایل دهه ۳۰، استاد روح… خالقی رئیس هنرستان موسیقی ملی در پاسخ به نامه منصور ابراهیمی (منصور نریمان) می‌نویسد و شگفت آنکه مسیر طولانی تهران و مشهد، باعث می‌شود روح… خالقی به این پسر نوجوان به صورت مکاتبه‌ای و تلفنی نت‌خوانی بیاموزد. طنین نوای عود چنان ابراهیمی را مجذوب می‌کند که برای یافتن این ساز و نواختنش با پدر راهی تهران می‌شود و «نریمان اَبَنوسی» بالاخره نخستین عود را در دستانش قرار می‌دهد و این‌گونه می‌شود که نام «نریمان» تا همیشه بر تارک عودنوای معاصر می‌درخشد.

هر چه در مسیر حرفه‌ای هنرمندان رشد یافته در دهه ۳۰ تا ۵۰ شمسی بیشتر جست‌وجو کنیم، شگفتی‌های بیشتری از راه و رسم هنری این بزرگان خواهیم یافت. موسیقی به عنوان یکی از اساسی‌ترین شاخه‌های فرهنگی کشور، به صورت کاملاً مجدانه و اصولی آموزش داده می‌شده‌است و هنرمند تمام لحظات زندگی خود را با این هنر آمیخته و یکی می‌داند. خدمات پرشمار این نسل از هنرمندان، ریشه قدرتمند موسیقی امروز ماست. وقتی از استاد نریمان حرف می‌زنیم از عود یا همان بریط می‌گوییم که با وجود ریشه‌های کاملاً ایرانی این ساز تا پیش از او سازی مهجور و کمتر استفاده شده در رپرتوار موسیقی ایران به شمار می‌رفت. با وجود سفرهایی که برخی استادان هنرستان موسیقی برای تحقیق راجع به این ساز به عراق رفته بودند، اما این ساز همچنان در سرردگمی به سر می‌برد. استاد منصور نریمان، با عشق و شور فراوانی که به این ساز داشت از سن هجده سالگی به مدت ۱۶ سال تک‌نوازی عود را به رادیو خراسان آورد، و مدتی هم در رادیوشیراز به موسیقی سامان داد. در نهایت، از سال ۴۱ تا ۵۸ تک‌نواز عود رادیو ایران شد و برنامه‌های او در گله‌ها جزو پرشنونده‌ترین آثار رادیویی بود. جملگی این سال‌های یاد شده، گنجینه برپهایی است از اعتلای عودنوازی در ایران. منصور نریمان علاوه بر تثبیت موقعیت تک‌نوازی این ساز، با سفر به کشورهای دیگر خاصه کشورهای عربی و همچنین دیدار و هم‌نشینی با بزرگانی چون منیر بشیر، تسلط خود بر گستره صوتی عود را به حد اعلا رسانید.

دهه ۶۰ سال‌های خاموشی استاد نریمان است، اما از اوایل دهه ۷۰ او مجدد آموزش و پژوهش را از سر می‌گیرد و شاگردان تراز اولی را به عرصه موسیقی ایران معرفی می‌کند. نام‌هایی همچون: محمدفروزی، حسین بهروزی‌نیا، نگار بوبان و علی پژوهشگر. علی پژوهشگر متولد مشهد و هم‌زادگاه استاد نریمان است و سالیان متمادی مانند یک فرزند در کنار استاد بوده است. او نت‌نویسی تألیفات استاد نریمان مانند: چهل‌ودو قطعه برای عود و ردیف موسیقی ایرانی را بر عهده داشته و برای حفظ مکتب نریمان قدم‌های پرشماری برداشته است. علی پژوهشگر اینک مقیم امریکاست و علاوه بر آموزش ساز عود به آهنگ‌سازی و دربرپایی جلسات مولاناپژوهی همت می‌گمارد. با او سبک و سباق هنری و اخلاقی استاد نریمان، حال و احوال کنونی عودنوازی در ایران و ویژگی‌های نسل طلایی موسیقی ایران گپ زدیم.

- آشنایی شما با استاد نریمان چه‌طور رخ داد؟** اینک‌چه‌طور با استاد نریمان آشنا شدم و در محضرش شاگردی کردم، با باید بگویم



در نهایت سختی به این مسیر رسیدم. من زمانی که در هنرستان موسیقی ملی درس می‌خواندم عود را به‌عنوان ساز تخصصی خودم انتخاب کرده و زیر نظر استادان بزرگواری همچون استاد فیروزی، آموختن را آغاز کرده بودم، اما شرایط هنرستان سخت بود، تعداد شاگردان عود همیشه اندک بود در نتیجه برای استادان چندان ارزشی نداشت که راهی طولانی را برای این منظور به هنرستان بیابند و هر استادی هم می‌آمد یکی دو سه ماه بیشتر نمی‌ماند و می‌رفت. این شد که بعد از یک مدتی مدیریت هنرستان به من گفتند باید سازت را عوض کنی! اصلاً لازم نیست عود بزنی و امکان تدریسش نیست. این بود که من به‌ناچار رفتم و سه چهار ماهی کمانچه زدم، شش ماه هم رفتم تار زدم. اما دیدم که نه! من عاشق عود بودم و چون یک سال هم آموخته بودم بیشتر علاقه‌مند شده بودم.

از آنجایی که من هم اصالتاً مشهدی هستم، پدرم با خانواده ابراهیمی آشنایی داشت. پدر استاد نریمان، آقای دکتر ابراهیمی از شهیرترین و خوش‌نام‌ترین پزشکان شهر بودند و مشهدیه‌ها به این خانواده ارادت خاصی

استاد نریمان نمی‌خواست مرا به شاگردی بپذیرد، اما چون نامم علی بود و او ارادت ویژه‌ای به حضرت علی(ع) داشت به من گفت: به حرمت اسمت مسئولیت آموزشت را به عهده می‌گیرم

داشند. پدرم به من گفت اگر برویم به استاد نریمان بگوییم که ما از بیماران پدرتان بوده‌ایم حتماً تو را به شاگردی خواهند پذیرفت. هیچ‌گاه آن روز را از خاطر نمی‌برم. من و پدرم دسته‌گلی خریدیم و به دیدن استاد رفتم که اتفاقاً تازه عمل قلب کرده بود و به چندین علت تصمیم داشت دیگر تدریس نکند. استاد اول گفت نه، من دیگر تدریس نمی‌کنم و مریض احوالم و نمی‌توانم مسئولیت به این بزرگی را تقبل کنم. خلاصه اصرار ما کارگر نشد و او نپذیرفتند. در نهایت پدرم خواست خداحافظی کند و رو به من کردند و گفت: خب علی جان برویم در آن لحظه استاد نریمان گویی یک پرچی در چشم‌تشان آمد و پرسید: اسمت چیست؟ گفتم: علی. من پیکر نداشتم که او چه ارادت ویژه‌ای به حضرت علی(ع) دارد و تا شنیدند اسم بنده علی است دیگر نتوانست نه بگویند و گفت علی جان من به حرمت اسمت مسئولیت آموزشت را به عهده می‌گیرم. و از این لحظه بود که من

نشود را مناسب استفاده در سبزی‌فروشی دانست و مسائل مورد بحث در فیلم‌نامه‌ها را به دو دسته تقسیم کرد. کیانیان توضیحاتش در این باره را با مثال مطرح کرد و از این موضوع سخن گفت که مثلاً مسئله اصول‌گرایی یا اصلاح‌طلبی در عهد قدیم کاملاً بی‌معنا بوده‌اند؛ در حالی که موضوعاتی از قبیل قدرت‌طلبی، تنفر، تردید و… مسائل اساسی ذهن بشر به شمار می‌روند و بستر پرداختن به مسائل دیگر را فراهم می‌کنند. بنابراین، اگر یک نمایشنامه یا فیلم‌نامه در باره این موضوعات اساسی باشد، هرگز کهنه نخواهد شد. او کتابه‌ای هم به فیلم‌های تبلیغاتی در شوروی و حتی کشور خودمان زد و با اسم بردن از فیلم «قلاده‌های طلا»، این قبیل آثار را دارای تاریخ مصرف و فراموش شده معرفی کرد.

در بخش بعدی این گفت و گو، جابر قاسمعلی به سراغ سینما و تجربه‌های بازیگری کیانیان رفت و از این بازیگر درباره اهمیت طول و عرض فیزیکی نقش‌ها در انتخاب آن‌ها سؤال کرد. کیانیان در پاسخ به این پرسش،



شاگرد خصوصی او شدم و تا کارشناسی ارشد نیز از آموزش‌های کم‌نظیرش بهره بردم. این ارتباط آن قدر عمیق بود که دیگر او نه تنها استاد بلکه پدر معنوی بنده بودند. نه تنها من بلکه همه شاگردان استاد متفق‌القول او بر پدر معنوی خود می‌دانند.

● **شما مدت‌های متمادی هم‌نشین استاد نریمان بوده‌اید، از شخصیت و منش هنری و اخلاقی او بر ایمان بگویید.**
استاد نریمان به معنای واقعی و بدون تعارف، یکی از آن انسان‌های کاملی بود که همیشه در تاریخ و در ادبیات به عنوان سرآمد او یاد می‌شود. انسان کاملی که در گفتار و رفتار و تمام زمینه‌های زندگی‌اش هنر جاری بود. هنر به معنای واقعی، هنری که از ذات پاک انسان برمی‌آید. استاد نریمان دست پرتوانی در موسیقی داشت؛ عود می‌نواختند، تار و سه‌تار و چگور می‌نواخت. نواختن نه فقط به این معنا که سازی به دست بگیرد بلکه به معنای واقعی تک‌نوازی و پداه‌نوازی می‌کرد. بسیار بسیار صدای خوشی داشتند. استاد نریمان اهمیت بسیار زیادی به هنر نوازندگی خود می‌داند در نتیجه در خوانندگی به صورت ناشناس قطعاتی منتشر کردند. در واقع او نمی‌خواست نامش در دو یا چند جایگاه مطرح بشود چون معتقد بود به راه و هدفشان در موسیقی لطمه می‌خورد. او به معنای واقعی پدر عود ایران بود. اما از دیگر جنبه‌های شخصیت هنری او باید از شعر گفت. شعر بسیار می‌دانست و شعرهای بسیار محکم و لطیفی نیز می‌سرود. او همچنان که در موسیقی هم‌نشین و هم‌نواز بزرگانی همچون:

استاد اسدا… ملک، استاد شهناز، استاد شجریان بود در زمینه شعر و ادبیات نیز به طور مثال با عماد خراسانی هم‌پایه بود. وجود استاد نریمان سرشار از لطافت و هنر بود. کارهای زیادی ساخت که شعرش را خودش سروده بود.

- **در واقع او استاد به معنای تمام کلمه بود.**

این روزها کلمه استاد، هنرمند و… آن قدر زیاد به کار می‌رود که تا حد زیادی ارزش و جایگاه خود را از دست داده است. گوهرهایی مانند استاد نریمان باید گفت دست خدا بود برای ما، وقتی نفس این استادان به ما خورد ما دگرگونه شدیم. رفتار او با هر یک از شاگردانش به گونه‌ای بود که مسیر زندگی را تغییر می‌داد، واقعاً آن مسیحادمی که می‌کن است یک انسان با او روبه‌رو شود برای ما استاد نریمان بود.

- **از راه و روش تدریس استاد برای ما بگویید. مهم‌ترین ویژگی‌های متمایز او در تدریس چیست؟**

رویکرد بازیگری خود را بدین شکل تشریح کرد که از همان ابتدای ورود به بازیگری و حتی زمانی که هنوز شهرت و اعتباری نداشت، تصمیم گرفته تمرکز خود را بر بازی کردن نقش‌های متفاوت

فرهام می‌کند، جایگاه نویسنده‌ی راجح بر لزوم فهم متن «نمایش اسپانیایی» در بستر خودش تأکید کرد و ضمن پرهیز از موضع مخالفت با موافقت با محتوای آن، به انتقاد از برخی نمایشنامه‌ها پرداخت. ایده محوری کیانیان این بود که برخی از فیلم‌نامه‌ها یا نمایشنامه‌ها با پرداخت بیش از حد به جزئیات، امکان خلاقیت را از بازیگر می‌گیرند و رویکردشان آن‌قدر تحکم‌آمیز است که به تعبیری، به جای بازیگر بازی می‌کنند و حتی گاهی برای کارگردان هم تعیین تکلیف می‌کنند. کیانیان، با نقد فیلم‌نامه‌ها و نمایشنامه‌هایی که سعی می‌کند جزئیات بازی را هم به بازیگر دیکته کنند، از پیش تعیین کردن تمام حرکات و سکنات بازیگر برای اجرای نقش در متن را امری نادرست خواند.

این بازیگر باتجربه سینمای ایران، از رهگذر نقد خود بر برخی از متن‌ها، به ستایش گونه‌ای دیگر از نمایشنامه‌های بزرگ دنیا رسید که قابلیت این را دارند بارها و بارها به انحای مختلف اجرا شوند. کیانیان تأکید کرد که با نویسنده دشمنی ندارد و از این رو که نویسنده بستر تولید اثر و بازی را

فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد، از راه یافتن ۵۶ آثار به مرحله بازبینی اولین جشنواره نمایش خیابانی «تئاتر کنار مردم» خبر داد. صدرا یوسفی با اشاره به پایان بازخوانی آثار ارسال‌شده به دبیر‌خانه جشنواره «تئاتر کنار مردم» گفت: حجت طباطبایی، عیبا…

برجسته و کریم‌جشنی، اعضای هیئت بازخوانی این جشنواره هستند که به بررسی ۹۱ آثار ارسال‌شده به دبیر‌خانه پرداخته‌به گفته او در مجموع ۵۶ آثر به مرحله بازبینی راه یافتند که این مرحله از ۱۰ روز آینده آغاز به‌فعالیت می‌کند.یوسفی یادآور شد: در این میان راه یافتن برخی از آثار، به صورت مشروط خواهند بود که دبیر‌خانه جشنواره، به صاحبان آثار اعلام می‌کند.لازم‌به ذکر است، جشنواره «تئاتر کنار مردم» با هدف افزایش نشاط شهروندان و فعالیت خودی «جواد اشکدری» که فعالیت خود را آغاز کرده و آثار منتخب در دهه ولایت، در مناطق مختلف شهر مشهد اجرا خواهند شد. برای مشاهده اسامی آثار پذیرفته‌شده فایل زیر را سکن کنید.

